



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۱۴۹-۱۲۳)



آسیب‌شناسی «آیین‌نامه انضباطی دانشجویان» از منظر پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور

دکتر حسن قاسمی مقدم^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور در میان دانشجویان مستلزم طراحی و اجرای آیین‌نامه انضباطی است که در آن، نسبت به کلیه رفتارهای مؤثر بر این آسیب اجتماعی اعم از تبلیغ، تشویق و تحریک به استعمال و نگهداری و توزیع آلات و ادوات استعمال، تخلف‌انگاری صریح و جامعی انجام گرفته باشد. به‌علاوه، در قبال دانشجوی معتاد، نمی‌توان بدون توجه به اهداف و سازوکارهای اصلاحی درمانی از تدابیر پردکننده استفاده نمود. زیرا چنین برخوردی موجب غفلت از علت و تمرکز بر روی معلول شده و با محروم نمودن دانشجوی معتاد از ادامه تحصیل، وی را در اعتیاد بیشتر فرو خواهد برد. افزون بر این، رعایت اصل تناسب میان تخلف و مجازات انضباطی، نقش موثری در تحقق اهداف پیشگیرانه خواهد داشت. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی نقایص آیین‌نامه انضباطی دانشجویان در جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور در میان دانشجویان پرداخته است. با توجه به مبانی جرم‌شناسی، نتایج تحقیق نشان داد که آیین‌نامه مذکور به لحاظ نقص‌هایی که در تخلف‌انگاری تمامی رفتارهای مرتبط با سوء مصرف مواد اعتیادآور، عدم توجه به سازوکارهای اصلاحی درمانی و نامتناسب بودن نظام تنبیه‌گذاری دارد، فاقد قابلیت لازم جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور در میان دانشجویان است.

واژگان کلیدی: تخلفات انضباطی، دانشجویان، پیشگیری، مواد اعتیادآور، تنبیه‌گذاری

مقدمه

قواعد حاکم بر تخلفات دانشجویی و از جمله سوء مصرف مواد اعتیادآور (مواد مخدر، توهم‌زا و روانگردان) در آیین‌نامه انضباطی مصوب جلسه ۳۵۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ ذکر شده است. با توجه به حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های نحوه برخورد با تخلفات دانشجویی، این آیین‌نامه تاکنون، در مقاطع مختلفی مشمول بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. آخرین اصلاحات به عمل آمده، تحت‌عنوان شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۲۷ به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است. شیوه‌نامه مذکور را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف انضباطی مورد بررسی قرار داد. اما با توجه به آمار هشداردهنده مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان ایرانی^۱ و تأثیرات منفی آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و جرم‌شناختی ناشی از این پدیده انضباطی/ کیفری بر روی دانشجوی، محیط دانشگاه و جامعه، بررسی این شیوه‌نامه از منظر پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور دارای اولویت است.

امروزه، پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور در مراکز آموزشی دارای چنان اولویتی است که برخی از کشورها قانون جامعی در این خصوص تدوین و به اجرا گذاشته‌اند. از جمله در ایالات متحده آمریکا، پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و الکل در مدارس و دانشگاه‌ها، بر اساس یک قانون فدرال تحت‌عنوان «قانون فدرال مدارس و مجموعه‌های آموزشی عاری از مواد مخدر»^۲ مصوب ۱۹۸۹ میلادی انجام می‌گیرد. این قانون، مدیران مراکز آموزشی را ملزم می‌نماید که برنامه‌های مختلف پیشگیری از مصرف مواد را در مجموعه آموزشی خود به اجرا بگذارند. مبنای این قانون این است که به جای سیاست «جنگ با مواد مخدر»^۳ از رویکرد واقع بینانه «مداخله در مصرف مواد»^۴ و تلاش برای کاهش عوامل جرم‌زا استفاده شود. (Custer, Kent, 2019: 158) در نظام تقنینی ایران نه تنها چنین قانونی وجود ندارد بلکه سایر قوانین و مقررات ناظر بر محیط‌های آموزشی و از جمله آیین‌نامه انضباطی دانشجویان دچار کاستی‌های متعددی به خصوص از جنبه رویکرد علمی به این مسئله است.

۱. تحقیقات علمی نشان داده است که در میان دانشجویان دانشگاه‌های موجود در شهر تهران به عنوان نمونه، ۱۶ درصد از دانشجویان رشته هنر، ۹ درصد از رشته‌های علوم انسانی، ۶ درصد از رشته‌های فنی مهندسی و ۵ درصد از دانشجویان رشته‌های پزشکی، اقدام به سوء مصرف مواد مخدر نموده‌اند. (مرجایی، غلامرضا کاشی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۴)

2. Drug free schools and communities Act

3. War on drugs

4. Substance abuse intervention policy

تنبیهات انضباطی دانشجویان، یکی از گونه‌های مجازات اداری است. مبنای این نوع مجازات‌ها، حفظ انضباط و حیثیت اداری است. از این رو، شاید این سوال مطرح شود که چه ارتباطی میان آیین‌نامه انضباطی و پیشگیری از تخلفات دانشجویی وجود دارد. در پاسخ باید گفت گرچه کارکرد اصلی آیین‌نامه انضباطی، ایجاد انضباط و انتظام صنفی از طریق مجازات نمودن افراد متخلف است. اما ایجاد انضباط در درون مفهوم خود، متضمن نگرش پیشگیرانه نسبت به رفتارهای آتی دانشجوی متخلف و سایر دانشجویان است. اصولاً مجازات نمودن در معنای عام و تنبیهات انضباطی به طور خاص، بدون توجه به اهداف پیشگیرانه نه تنها کاری بیهوده است بلکه موجب گرایش تنبیهات انضباطی به سوی برچسب زدن بر روی متخلفان می‌شود. شاید بر همین اساس، در مقدمه شیوه-نامه اجرایی و در مقام توجیه اهداف مجازات انضباطی دانشجویان تصریح شده است که: «... ضرورت دارد که این برخورد ... زمینه اجتناب از تخلف و میل به اصلاح را در فرد خاطی و محیط ایجاد نماید.»^۱

با توجه به تأثیرپذیری و یادگیری دانشجویان در سنین جوانی و امکان زندگی جمعی در خوابگاه، قابلیت شیوع اعتیاد در میان دانشجویان وجود دارد و لازم است درباره آسیب‌شناسی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان از منظر پیشگیری از سوءمصرف مواد اعتیادآور مطالعه علمی انجام گیرد. زیرا این آیین‌نامه می‌تواند تأثیرات دوگانه‌ای به صورت مثبت یا منفی بر روند اعتیاد در دانشگاه‌ها داشته باشد. درباره این موضوع گرچه برخی از تحقیقات به بررسی علت‌شناسی گرایش دانشجویان به مواد مخدر پرداخته‌اند مانند مقاله «بررسی دو دهه تحقیقات شیوع‌شناسی مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران»^۲ اما هیچ تحقیقی به طور مستقیم به موضوع آسیب‌شناسی آیین‌نامه انضباطی نپرداخته است. از این رو، تحقیق حاضر دارای ضرورت بوده و دارای جنبه نوآوری است.

۱. مقدمه: «شورای انضباطی دانشجویان به عنوان نهادی حساس در مجموعه مدیریت دانشگاه موظف است که ضمن انجام مسئولیت خود در رسیدگی به تخطی دانشجویان از منش دانشجویی و اخلاق متعالی، وظایف اساسی دانشگاه در راستای رشد استعدادها، تقویت روحیه استقلال و اعتماد به نفس در آنان را مد نظر داشته و از هر گونه برخوردی که موجبات تحقیر و توهین به دانشجو را فراهم می‌کند اجتناب ورزد هر چند در مواردی تنبیه اجتناب ناپذیر است اما با تأکید بر پرهیز از هر گونه تجسس و تفتیش، ضرورت دارد که این برخورد توأم با حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی دانشجو باشد. از اولین مراحل تذکر و ارشاد آغاز شده و زمینه اجتناب از تخلف و میل به اصلاح را در فرد خاطی و محیط ایجاد نماید.»

۲. صرامی، حمید و دیگران، بررسی دو دهه تحقیقات شیوع‌شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران، فصلنامه اعتیادپژوهی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹-۳۶

حال پرسش‌هایی که می‌توان مطرح نمود عبارتند از این که: ۱- مرجع وضع تخلفات مربوط به سوءمصرف مواد اعتیادآور توسط دانشجویان، بر اساس کدام مبنای قانونی خود را برای وضع تخلفات مذکور صالح دانسته؟ و بر چه مبنایی، مرجع رسیدگی‌کننده را تعیین نموده است؟ ۲- نارسایی‌های آیین‌نامه مذکور در مورد تخلف‌انگاری رفتارهای مربوط به سوءمصرف مواد چیست؟ ۳- جایگاه اصلاح و درمان دانشجویان معتاد در تدابیر انضباطی چگونه ترسیم شده است؟ و اینکه ۴- نواقص این آیین‌نامه در رابطه با فردی‌سازی مجازات‌های انضباطی و تناسب میان تخلف و تنبیه کدام‌اند؟ سوالات فوق را می‌توان در دو قالب کلی قرار داد. نخست، چالش‌ها و نارسایی‌های ناظر بر تخلف‌انگاری (سوالات ۱ و ۲). دوم، کاستی‌های ناظر بر تنبیه‌گذاری (سوالات ۳ و ۴). بر همین اساس برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق، با روش توصیفی تحلیلی به تطبیق آیین‌نامه انضباطی دانشجویان بر قانون مبارزه با مواد مخدر و نظریه‌های جرم‌شناسی پرداخته و مطالب در دو بخش (مطابق با دو قالب کلی فوق) ساماندهی شده است.

۱- چالش‌ها و نارسایی‌های ناظر بر تخلف‌انگاری و مرجع رسیدگی به تخلفات

بررسی مبنای قانونی تصویب آیین‌نامه انضباطی از چند جهت حائز اهمیت است. نخست، لزوم رعایت حاکمیت قانون به‌عنوان تضمین اصلی برای رعایت حقوق دانشجویان و تحقق اهداف پیشگیرانه. دوم، ضرورت همسویی آیین‌نامه با اهداف پیشگیرانه مندرج در سیاست‌های تقنینی قانون‌گذار. سوم، بررسی روش‌های اصلاح یا ابطال برخی مقررات موجود از طریق اعمال نظارت قضایی. قطعاً رفع یا تعدیل چالش‌های قانونی ناظر بر تصویب تخلفات و مرجع رسیدگی به آن‌ها نقش مهمی در اصلاح تخلف‌انگاری‌ها و حسن رسیدگی و صدور آراء مناسب خواهد داشت. به علاوه، بررسی نارسایی‌های مربوط به تخلف‌انگاری‌های موجود برای آسیب‌شناسی آیین‌نامه مذکور ضروری به نظر می‌رسد.

۱.۱. واکاوی صلاحیت قانونی ساختارهای موجود

همان‌گونه که در اصل ۳۶ قانون اساسی تصریح شده است، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این اصل بیانگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. اگرچه اصل مذکور اصالتاً مربوط به جرایم کیفری است. اما همان‌طور که در قسمت اصول حاکم بر رسیدگی به تخلفات دانشجویی در صفحه چهارم به‌عنوان نخستین اصل حاکم بر شیوه‌نامه اجرایی

به درستی بیان شده است مهم‌ترین اصل حاکم بر این رسیدگی‌ها، اصل قانونی بودن است.^۱ رعایت این اصل در مورد تخلفات دانشجویی مستلزم این است که مرجعی قانونی بر اساس قانون، اقدام به تخلف‌انگاری نموده باشد. سپس مرجعی قانونی به شیوه‌ای قانونی، به تخلفات مربوطه رسیدگی نماید؛ زیرا اساساً یکی از مهم‌ترین مبانی تشکیل دادگاه‌های اختصاصی اداری و از جمله شورای انضباطی دانشجویی، تحقق اصل حاکمیت قانون است (هداوند، آقای، ۱۳۸۹: ۷۰).

۱.۱.۱. ناروایی مداخله شورای عالی انقلاب فرهنگی

اصولاً تعیین مرجع صالح برای وضع قواعدی که با حقوق و آزادی‌های افراد جامعه مرتبطاند و موجب تحدید آنها می‌شوند، نظیر تخلفات انضباطی دانشجویان مسئله‌ای بنیادین است. زیرا در یک نظام مردم‌سالار علی‌القاعده مجلس قانون‌گذاری به‌عنوان نماینده اراده عمومی و بنام آن، چنین حقی را داراست و درباره هنجارگذاری توسط سایر نهادهای حاکمیت، اصل بر عدم صلاحیت آنهاست. اگرچه اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اختیار وضع آیین‌نامه‌های مستقل را برای انجام وظایف اداری، تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به هیئت وزیران و هر یک از وزرا داده است. اما در خصوص آیین‌نامه‌های انضباطی که محدودکننده حقوق و آزادی‌هاوند باید اذن صریح یا ضمنی مقنن وجود داشته باشد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). تا بدین‌وسیله شائبه چالش‌های فوق برطرف شده و محدوده ممنوعیت‌ها به وسیله قانون مشخص گردد. به همین علت، درباره تخلفات کارکنان اداری، ابتدا قانون مجلس در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۷، تخلفات را احصا نموده سپس به موجب ماده ۲۷، اذن تصویب آیین‌نامه را به سازمان مربوطه داده است.

برخی بر این باورند که گرچه واگذاری اختیارات «وضع آیین‌نامه انضباطی» و «رسیدگی به تخلفات مندرج در آن» به نهادهای زیر مجموعه وزارت علوم تحقیقات و فناوری، انطباق کاملی با اصل متری تفکیک قوا (به ویژه در معنای کلاسیک آن) ندارد. عموماً مبنای واگذاری چنین اختیاراتی به مرجع غیرقضایی، تخصصی بودن قضاوت میان منفعت عمومی و منفعت شخصی دانشجوی و نیز ضرورت کارآمدی دولت و پیروی از خط مشی عمومی دولت، عنوان می‌شود (هداوند، آقای، ۱۳۸۹: ۲۱). با وجود این، طبق اصل قانونی بودن، وضع قواعد انضباطی باید مبتنی بر قانون باشد. یعنی باید انواع تخلفات توسط قانون مشخص شده و مقنن، اذن وضع آیین‌نامه مربوطه را به نهادهای اجرایی داده باشد. بنا به تصریح مقدمه شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی، این شیوه‌نامه

۱. اصل قانونی بودن تخلفات دانشجویی: آن دسه از رفتارهای دانشجو، تخلف است که در آیین‌نامه انضباطی یا شیوه‌نامه اجرایی به عنوان تخلف احصا شده است و در احراز تخلفات، مراجعه به تعاریف قانونی تخلفات و تطبیق موضوع با تعاریف الزامی است.

اجرائی با استناد به قانون مجلس، تصویب نشده است. بلکه با استناد به مصوبه سیصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ و توسط وزیر محترم علوم تحقیقات و فناوری و وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۲۷ به تصویب رسیده است.

با توجه به عدم ذکر شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون اساسی، درباره جایگاه این شورا در نظام تقنینی ایران، نظرات متفاوتی بیان شده است. در حالی که شورای مذکور در مصوبات مختلف خود و از جمله در مصوبه جلسه ۸۸ مورخ ۱۳۶۵/۷/۱۵ با توجه به استفتائیه امام خمینی مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۶، مصوبات خود را در حکم قانون می‌داند. برخی با استناد به قسمت ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی استدلال می‌کنند که مقام رهبری، شان سیاست‌گذاری فرهنگی خود را به این شورا تفویض نموده و جایگاه مصوبات این شورا از قانون مجلس بالاتر است (الهام، میرمحمدی میبیدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). برخی هم معتقداند به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۰۱/۸۰/ه مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حد تصویب‌نامه‌های دولتی است که دیوان عدالت اداری می‌تواند آنها را ابطال نماید (شریف، ۱۳۸۴: ۲۳۷).

انتخاب هر یک از پاسخ‌های فوق، بالتبع اثر مستقیمی درباره جایگاه حقوقی این آیین‌نامه و چگونگی تغییر و اصلاح و یا ابطال جزئی یا کلی آن دارد. حقیقت این است که حتی اگر ایراد عدم اشاره به شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون اساسی وارد تلقی نشود، با توجه به مصوبه «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» که به تصویب خود این شورا رسیده است و در شماره ۱۵۴۰ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۵ در روزنامه رسمی منتشر شده است جایگاه این شورا حداکثر می‌تواند در چارچوب سیاست‌گذاری کلان فرهنگی و ذیل اختیارات رهبری قابل توجیه و تفسیر باشد. با وجود این، در همه موارد به وضع سیاست‌های کلان فرهنگی اقدام ننموده و گاه به امور جزئی نظیر آیین‌نامه انضباطی پرداخته است. اما حتی اگر مصوبه خود شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» این شورا، ملاک عمل قرار گیرد، این مصوبه فقط به سیاست‌گذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام اشاره کرده است و در هیچ‌یک از وظایف ۲۸ گانه مصرح در این مصوبه، تصویب آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، قید نشده است. بنابراین حتی خود شورا چنین شانی برای خود قائل نبوده است. از این‌رو، در حال حاضر مبنای قانونی برای تصویب شیوه‌نامه اجرائی بر اساس آیین‌نامه انضباطی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی محل تامل جدی است.

یکی از مستلزمات مهم اصل قانونی بودن این است که طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، مقررات انضباطی نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. متأسفانه در آیین‌نامه انضباطی دانشجویان برخی تنبیهات نظیر محرومیت از تحصیل به نحوی پیش بینی شده است و همانطور که در ادامه خواهد آمد مخالف متن و روح قانون مبارزه با مواد مخدر و بدون توجه به سیاست اصلاح و درمان معتادان، نقش مثبتی در پیشگیری از مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان ندارد. در این رابطه دو راه حل قابل طرح به نظر می‌رسد: نخست اینکه به عنوان راه حل اساسی آیین‌نامه مذکور کنار گذاشته شده و به طور کلی فرایند تصویب آن با در نظر گرفتن اصلاحات لازمه از طریق تعیین راهبردهای اصلی در قانون مجلس دنبال شود. دوم اینکه به عنوان راه حل موقتی در مورد نواقص این آیین‌نامه می‌توان طبق رای وحدت رویه شماره ۳۰۱/۸۰/هـ مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، چنین مصوباتی را تحت نظارت دیوان عدالت اداری دانست و نسبت به ابطال برخی از آنها اقدام نمود.

۱.۱.۲. ناشایستگی شوراهای انضباطی دانشجویی

طبق اصل ۳۶ قانون اساسی، علاوه بر لزوم استناد به قانون برای محکومیت یک فرد، مرجع رسیدگی کننده نیز باید دارای وجاهت قانونی بوده و با روشی قانونی رسیدگی نماید. در حال حاضر برای رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان طبق شیوه‌نامه اجرایی سه مرجع وجود دارد: شورای بدوی برای رسیدگی بدوی، شورای تجدیدنظر برای رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای بدوی و شورای مرکزی مستقر در وزارت علوم برای رسیدگی به تخلفات مستوجب تنبیهات بند ۱۳۱ و بالاتر تشکیل می‌شوند. طبق چالش‌های پیش گفته درباره صلاحیت مرجع وضع مقررات حاکم بر تخلفات، به صلاحیت قانونی مرجع رسیدگی نیز تسری می‌یابد.

افزون بر این، با توجه به اینکه تخلفات مربوط به مصرف مواد مخدر اکثراً جنبه مجرمانه دارند، رسیدگی به رفتارهای مجرمانه، اصالتاً بر عهده مراجع قضایی است و با عنایت به استقلال و تخصص قضات، وجود یک آیین دادرسی کیفری مفصل درباره ادله اثباتی و تضمین حقوق دفاعی متهم در این مراجع، باید سرنوشت رسیدگی انضباطی را منوط به دادرسی و صدور رای از مراجع قضایی دانست (محمودی، بهرامی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). با وجود این، در حالی که شیوه‌نامه اجرایی در مورد جرایمی مانند قتل و روابط نامشروع، این اناطه را پذیرفته اما در مورد مواد مخدر و سایر جرایم، طبق ماده ۱۱۳ رسیدگی موازی را تجویز نموده است. شاید استدلال شود که اناطه کیفری امری زمان‌بر است و فوریت رسیدگی به تخلفات مربوطه جهت پیشگیری از ترویج تخلفات، مستلزم

۱. مجازات بند ۱۳ عبارت است از منع موقت از تحصیل به مدت سه نیمسال یا از ۱۳ تا ۱۸ ماه بدون احتساب سنوات

تجویز رسیدگی موازی است اما باید گفت توانمندی مراجع رسیدگی کنونی در به کارگیری ادله اثبات قضایی، محل تامل بوده و محروم نمودن دانشجویان از حقوق دانشجویی به عنوان تنبیه تخلفات مواد مخدر، مورد نقد است. از این رو، روش رسیدگی موازی روش درستی به نظر نمی‌رسد.

۲.۱. نارسایی‌های تخلف‌انگاری

منظور از تخلف‌انگاری در این جا، تعیین برخی رفتارها به عنوان تخلف و وضع مجازات‌های انضباطی در آیین‌نامه است. پایبندی به اصل قانونی بودن، دو نتیجه را در پی خواهد داشت. نخست اینکه هر یک از تخلفات مورد نظر نظام انضباطی باید به طور صریح و شفاف در شیوه‌نامه اجرایی ذکر شده باشد. دوم اینکه در صورتی که یک رفتار به طور صریح در شیوه‌نامه اجرایی مورد تخلف-انگاری قرار نگرفته باشد هیچ مقام یا مسئولی نمی‌تواند آن رفتار را تخلف محسوب نماید.

تخلف‌انگاری صریح و شفاف نه تنها یک وظیفه قانونی و لازمه رعایت اصل قانونی بودن تخلفات است، بلکه دارای کارکردهای پیشگیرانه است. تخلف‌انگاری دارای جنبه‌های آموزشی، فرهنگ‌سازی و بازدارندگی است. در واقع ارائه لیستی واضح از رفتارهای متخلفانه به معنای اخطار رسمی به دانشجویان جهت پرهیز از این رفتارها است. بازدارندگی زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً هیچ رفتار تخلف‌آمیزی از لیست تخلفات بیرون نمانده باشد و ثانیاً مجازات مندرج در آیین‌نامه، مجازاتی مناسب و در عین حال ارعاب‌آمیز باشد تا بدین وسیله علاوه بر پیشگیری از تکرار تخلف توسط مرتکب، سایر دانشجویان نیز با تداعی خاطره مجازات مرتکب، از ارتکاب رفتار مشابه اجتناب نمایند (دادبان، آقایی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

نخستین رکن تخلف‌انگاری جامع، عبارت است از تعریف قانونی واضح و صریح از عنصر مادی و عنصر روانی هر یک از تخلفات. متأسفانه در بسیاری از مقررات ناظر بر تخلفات اداری و از جمله در شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، این امر به درستی انجام نپذیرفته است. ذکر رئیس عناوین تخلفات بدون تعریف مصادیق آن بر خلاف موازین و قواعد مسلم حقوقی و اصل حاکمیت قانون است (گرگی ازندریانی، فتحی، ۱۳۹۴: ۴۵). شیوه‌نامه اجرایی مذکور، تنها به تخلف‌انگاری چهار دسته از رفتارها در چهار ماده به ترتیب در ماده ۴۳ به استعمال مواد اعتیادآور، در ماده ۴۴ به تشکیل جلسه و دعوت از دیگران برای استعمال مواد مذکور، در ماده ۴۵ به اعتیاد به مواد پیش گفته و در ماده ۴۶ به نگهداری، خرید و فروش، تولید یا توزیع مواد اعتیاد آور پرداخته است. در هیچ یک از مواد مربوطه، چیزی جز عناوین تخلفات ذکر نشده است. برای نمونه در ماده ۴۴ این عنوان ذکر شده است: «تشکیل جلسه و دعوت از دیگران برای استعمال مواد اعتیادآور یا استفاده از مشروبات الکلی (یا مشارکت یا همکاری در این خصوص)». در اینجا به علت عدم تعریف عناصر

مادی و روانی تخلف، معلوم نیست که آیا برای تشکیل جلسه، حداقل سه نفر لازم است یا دو نفر هم کفایت می‌کند؟ و اصولاً منظور از عبارت «همکاری» در انتهای ماده، آیا بحث معاونت است؟ اگر این چنین است چرا از عبارت واضح معاونت استفاده نشده است؟^۱

با بررسی تخلف‌انگاری‌های موجود در شیوه‌نامه اجرایی، می‌توان گفت این تخلف‌انگاری‌ها جامع نبوده و شامل تمامی رفتارهای مخاطره آمیز و موثر بر استعمال مواد اعتیادآور نیستند. از این رو با توجه به خلاهای تقنینی می‌توان تخلف‌انگاری‌های مستقلی را پیشنهاد داد. زیرا بدون تخلف‌انگاری صریح نمی‌توان با نقض اصل قانونی بودن تخلفات، از تفسیر موسع جهت شمول مصادیق مشکوک استفاده نمود.

علاوه بر این، امکان مراجعه و استناد به‌عنوان کلی «رفتار خلاف شئون دانشجویی» مندرج در ماده ۵۲ به لحاظ درجه مجازات انضباطی، همواره مناسب نبوده و کارکرد آموزشی و فرهنگ‌سازی تخلف‌انگاری مستقل را برآورده نمی‌سازد.^۲ به علاوه، پیش بینی یک عنوان تخلف مستقل، به معنای زمینه‌سازی جهت تأمل برای طراحی و اجرای راهکارهای پیشگیرانه در خصوص آن تخلف خواهد بود. با وجود این، تخلف‌انگاری‌های مستقل جدید، لزوماً به معنای پیشنهاد وضع مجازات‌های انضباطی مشدده در این موارد نیست.

۱.۲.۱. تخلفات تحریک مدار

بر اساس «نظریه معاشرت‌های ترجیحی» ساترلند، انحراف و جرم، پدیده‌هایی اکتسابی و آموختنی‌اند. هم‌نشینی افتراقی با گروه افراد بزهکار، موجب یادگیری انگیزه‌ها، توجیه‌ها و فنون ارتکاب جرم می‌شود (وایت، هینز، ۱۳۹۸: ۱۵۹). از این منظر، یادگیری تخلفات دانشجویی در اثر تبلیغ، تشویق و حمایت از سوی دانشجویان متخلف انجام می‌گیرد. علاوه بر این، افراد معتاد گرایش خاصی به معتاد نمودن دوستان خود دارند (فروع‌الدین عدل، و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۹۳). طبیعی است که برای پیشگیری از استعمال مواد مخدر در میان دانشجویان باید با این گونه اقدامات تبلیغی

۱. دشواری یافتن پاسخ صحیح زمانی آشکارتر می‌شود که به این نکته توجه شود که شیوه‌نامه اجرایی «معاونت در تخلف» را تخلف ندانسته و فقط در تبصره ۱ ماده ۳۱ در بحث قتل عمدی به آن اشاره نموده است.
۲. ماده ۵۲ شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۳۹۸: «در صورت ارتکاب هر گونه رفتار خلاف شئون، منزلت و عرف مسلم که دانشگاهیان آن را مذموم بدانند متخلف به یکی از تنبیهات ۱ تا ۵ محکوم می‌گردد و در صورت تکرار تنبیه تا بند ۹ (به جز بند ۶) قابل تشدید است.»
۳. برای مثال، به موجب ماده ۳۲ شیوه‌نامه اجرایی، در صورت ارتکاب جرایم عمومی و از جمله تبلیغ دخانیات در فضای مجازی، تنبیه درجه ۴ تا ۱۰ قابل اعمال است. اما تبلیغ مواد مخدر در فضای واقعی، در عین حال که جرم است ولی فقط می‌تواند به عنوان رفتار خلاف شئون دانشجویی مستوجب تنبیه درجه ۱ تا ۵ محسوب گردد.

تشویقی مقابله نمود. مقابله با این اقدامات از دو طریق امکان پذیر است: نخست، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی هدفمند جهت خنثی سازی این اقدامات و فرهنگ سازی در خصوص آثار زیان بار استفاده از مواد اعتیادآور. دوم، از منظر سیاست انضباطی لازم است که اقدامات تحریک کننده استعمال این مواد، مشمول تخلفانگاری قرار گیرند.

تأثیر تشویق و تحریک در استعمال مواد اعتیادآور و دخانیات اساساً مورد قبول قانون گذار بوده است. به همین علت، به ترتیب در انتهای ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ و در ماده ۱۰ قانون جامع مبارزه با دخانیات^۲ به جرم انگاری و تعیین مجازات برای این رفتارها پرداخته است. به طوری که ترغیب به استعمال هر یک از انواع مواد مخدر در انتهای ماده ۳۵ فوق الذکر مستوجب مجازات مباشر یعنی استعمال کننده آن ماده مخدر دانسته شده است. همچنین هرگونه تبلیغ محصولات دخانی، به موجب ماده ۱۰ فوق الاشعار، جزای نقدی به مبلغ ۵۰ هزار تا ۵ میلیون تومان را در پی خواهد داشت. با وجود این، در شیوه نامه اجرایی، تخلفانگاری مستقلاً درباره تبلیغ، تشویق، حمایت و تحریک به استعمال مواد مخدر مشاهده نمی شود.

البته شیوه نامه اجرایی در ماده ۳۲، به ارتکاب جرایم عمومی در فضای مجازی اشاره نموده است که طبق انتهای ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر می تواند شامل دانشجویی شود که دیگران را از طریق فضای مجازی به استعمال مواد مخدر ترغیب می نماید. و همچنین طبق ماده ۱۰ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات می تواند شامل تبلیغ دخانیات از سوی

۱. ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹: «هر کس اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف یا به ارتکاب هر یک از جرایم این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روانگردان نماید یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می شود.»

۲. ماده ۱۰ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵: «انجام هر گونه تبلیغات مغایر با این قانون و آیین نامه اجرایی آن جرم و مستوجب مجازات از ۵۰۰ هزار ریال تا ۵۰ میلیون ریال جزای نقدی است. دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات دستور جمع آوری محصولات مورد تبلیغ را صادر نماید و میزان مجازاتهای یاد شده بر اساس نرخ تورم هر سه سال یک بار با اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تایید هیات وزیران قابل افزایش است.» همچنین طبق ماده ۳ قانون مذکور هر نوع تبلیغ حمایت تشویق مستقیم یا غیر مستقیم یا تحریک دیگران به استعمال دخانیات ممنوع است.

۳. ماده ۳۲ شیوه نامه اجرایی، تخلفات رایانه ای و مخابراتی: «در صورت ارتکاب هر یک از تخلفات در فضای مجازی از قبیل هک کردن، و..... کلیه جرایم عمومی در فضای وب متخلف به تناسب تخلف به یکی از تنبیهات بندهای ۴ تا ۱۰، به جز بند ۶ محکوم می شود.»

دانشجو در فضای مجازی شود. اما ماده ۳۲ مذکور نمی‌تواند شامل تبلیغ، تشویق، حمایت و یا تحریک در عالم واقعی شود.

خلاً قانونی مذکور را با نهاد «معاونت در جرم» هم نمی‌توان جبران نمود. توضیح اینکه اولاً عنوان معاونت در تخلفات دانشجویی فقط درباره قتل عمدی (و در تبصره ۱ ماده ۳۱ شیوه نامه اجرایی) پیش بینی شده است و طبق اصل قانونی بودن تخلفات دانشجویی، در شرایط فعلی نمی‌توان تحریک به استعمال مواد اعتیادآور را تحت عنوان معاونت در استعمال این مواد مجازات انضباطی نمود. ثانیاً تحقق معاونت، مستلزم ارتکاب استعمال مواد اعتیادآور توسط مباشر است. حال آنکه رفتارهای پیش گفته اعم از تبلیغ، تشویق، حمایت و تحریک، به علت ایجاد مخاطرات شدید برای استعمال مواد اعتیاد آور باید صرف‌نظر از ارتکاب یا عدم ارتکاب استعمال از سوی مخاطب، تخلف‌انگاری شوند. این همان منطقی است که در ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و در ماده ۱۰ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مد نظر قرار گرفته است.

شیوه‌نامه اجرایی نه تنها در بخش مربوط به قواعد عمومی تنبیهات، به بحث اکراه و اجبار دیگران به ارتکاب تخلف نپرداخته است بلکه حتی در مواد مربوط به استعمال مواد اعتیادآور یعنی در مواد ۴۳ تا ۴۶، هم به تخلف‌انگاری در این زمینه اشاره ننموده است. اکراه یعنی وادار نمودن دیگری به ارتکاب جرم از طریق تهدید غیر قابل تحمل. با توجه به آثار زیان بار اکراه به استعمال مواد افیونی، چگونه می‌توان سکوت شیوه‌نامه اجرایی در این خصوص را توجیه نمود؟ طبعاً برای مجازات انضباطی دانشجویان نمی‌توان به قانون مبارزه با مواد مخدر استناد نمود.

۱.۲.۲. تخلفات وسیله مدار

از دیدگاه مکتب تحقیقی برای پیشگیری از ارتکاب جرایم باید رفتارهای انحراف‌آمیز مقدماتی مانند نگهداری وسایل جرم را جرم‌انگاری نمود تا بدین وسیله بتوان مانع ارتکاب جرایم اصلی شد. به این گونه جرایم، جرایم مانع اطلاق می‌شود (نجفی ابرندآبادی، حبیب‌زاده، بابایی، ۱۳۸۳: ۳۹). اگرچه جرم‌انگاری استعمال مواد اعتیادآور به تعبیری، فی نفسه جرم‌انگاری یک جرم مانع است اما این امر نافی جرم‌انگاری در مورد نگهداری وسایل استعمال این مواد نیست. بر اساس همین منطبق ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ وارد کردن، ساختن، خرید و فروش، نگهداری، اخفا و حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر را جرم‌انگاری نموده و علاوه بر ضبط این اموال، حکم به شلاق و جزای نقدی نموده است.^۱

۱. ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: «هرکس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند، علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج

در شرایط کنونی که در شیوه‌نامه اجرایی جدید آیین‌نامه انضباطی به تخلف‌انگاری مستقلی نسبت به رفتارهای فوق‌الذکر اشاره ای نشده است، ارتکاب هر یک از این رفتارها تنها می‌تواند ذیل عنوان رفتار خلاف شئون موجب تنبیه انضباطی درجه ۱ تا ۵ گردد. با نگاهی به مجازات‌های انضباطی درجه ۱ (احضار و اخطار شفاهی بدون درج در پرونده)، درجه ۲ (تذکر کتبی بدون درج در پرونده)، درجه ۳ (اخطار کتبی بدون درج در پرونده)، درجه ۴ (تذکر کتبی و درج در پرونده)، و درجه ۵ (توبیخ کتبی و درج در پرونده)، می‌توان گفت که هیچ تناسبی میان خرید و فروش یک یا چند عدد وافور یا پایپ (وسیله مصرف شیشه) در داخل خوابگاه دانشجویی با مجازات‌های انضباطی فوق‌الذکر وجود ندارد.

نکته‌تأمل برانگیز این که، به موجب ماده ۵۰ شیوه‌نامه اجرایی، نگهداری، توزیع و یا خرید و فروش هر گونه آلت لهو و لعب و محصولات رسانه‌ای غیر مجاز مستوجب تنبیه انضباطی از درجه ۵ تا ۱۲ (به جز بند ۶) دانسته شده است. با بررسی ادله فقهی ناظر بر موضوع لهو و لعب (ایروانی، حایری، ۱۳۸۸: ۵۷) و با قرینه عبارت محصولات رسانه‌ای غیر مجاز، منظور از آلت لهو و لعب، آلت موسیقی خاص مجالس طرب و غنا است. این در حالی است که خرید و فروش و یا نگهداری آلات استعمال مواد اعتیادآور مشمول تخلف‌انگاری مستقلی قرار نگرفته است.

۱.۲.۳. تخلفات علیه عدالت انضباطی

شکی نیست که پیشگیری از تکرار تخلفات راجع به مواد اعتیادآور از طریق کشف و تعقیب متخلفان و جلوگیری از فرار ایشان امکان‌پذیر است. امحا یا اخفای ادله استعمال و خرید و فروش مواد اعتیادآور به معنای از بین بردن و یا مخفی نمودن وسایل استعمال یا بقایای مواد اعتیادآور و یا ادله مربوط به خرید و فروش آنها است که می‌توان آن را از جمله جرایم علیه عدالت قضایی دانست. بر همین مبنا، ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵^۱ به طور کلی مخفی نمودن ادله هر جرمی را مستوجب یک تا سه سال حبس دانسته است. از آنجا که آلات و ادوات جرم در کشف حقیقت تاثیر گذارند اگر شخصی این آلات را از بین ببرد یا مخفی نماید عمل وی جرم محسوب

میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود. مرتکبین نگهداری، اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازاء هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می‌شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.»

۱. ماده ۵۵۴ - هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

می‌شود (کوشا، ۱۳۸۹: ۳۷). بر اساس همین منطق، ماده ۲۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۱، امحا یا اخفای ادله جرایم مواد مخدر و روانگردان را مستوجب یک پنجم تا نصف مجازات مرتکب اصلی دانسته است.

به رغم وجود مبانی و مواد قانونی فوق‌الذکر، شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی، فقط در تبصره ۲ ماده ۲۸ خود^۲، به تبانی و اخفای اطلاعات مربوط به فعالیت باند سرقت به‌عنوان یک تخلف مستقل اشاره نموده است. این در حالی است که مواجهه ماموران انتظامات دانشگاه - متعاقب وصول گزارش از دانشجویان و حضور در محل - با صحنه متواری شدن استعمال‌کنندگان مواد اعتیادآور و سعی در مخفی نمودن و یا امحای ادله مربوطه - از طریق ریختن بقایای آنها در فضای سبز خوابگاه - در پرونده‌های انضباطی مربوطه امری شایع است. در این گونه موارد معمولاً شخص یا اشخاص امحاکننده، مالکیت و یا استعمال مواد مذکور را به شدت انکار می‌نمایند. یکی از راهکارهای مؤثر جهت مقابله با چنین رفتارهایی، تخلف‌انگاری مستقل این رفتارها است.

۲. کاستی‌های ناظر بر تنبیه‌گذاری

برای یک آسیب‌شناسی کامل، علاوه بر چالش‌های مربوط به تخلف‌انگاری، بررسی کاستی‌های خاص ناظر بر تنبیه‌گذاری اعم از بی‌توجهی به اهداف اصلاحی درمانی و لزوم رعایت اصل تناسب در تعیین مجازات انضباطی لازم به نظر می‌رسد.

۲.۱. غفلت از اهداف اصلاحی درمانی در قبال دانشجوی معتاد

یکی از راهبردهای پیشگیری کیفری، طراحی تدابیر کیفری مبتنی بر اهداف اصلاحی درمانی در قبال مرتکبان جرایم مواد مخدر است. مفهوم اصلاح و درمان بر این مبنا استوار است که مجرمان افراد شرور و غیر قابل‌تغییری نیستند بلکه افرادی بیماراند که ارتکاب نابهنجاری‌های رفتاری در آنان نشانه اختلالات روانی ایشان و مستلزم معالجه و درمان آنهاست. اصلاح و درمان عبارت است از

۱. ماده ۲۳- هر کس عالماً و عامداً به امحا یا اخفا ادله جرم مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می‌شود.

۲. تبصره ۲ ماده ۲۸- هر کس با تبانی اطلاعات مربوط به فعالیت باند سرقت را کتمان نماید به نحوی که سبب تسهیل فعالیت مجرمانه گردد به یکی از تنبیهات بند ۱ تا ۹ (به جز بند ۶) محکوم می‌شود و در صورت تکرار، تنبیه تا بند ۱۲ قابل تشدید است.

یک برنامه مداوای روانی اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تامین امنیت اجتماعی به منظور بهبود قابلیت سازش‌پذیری اجتماعی مجرم (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۸۵).

بدین ترتیب ضمانت اجرای انضباطی به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای رسمی و در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، نه تنها نباید در تعارض با اهداف اصلاحی درمانی مورد نظر در نظام کیفری باشند بلکه باید نقش مفیدی در پیشبرد این اهداف از طریق به‌کارگیری تدابیر نظارتی، مراقبتی و تشویقی ایفا نمایند. چراکه طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بزهکاران حق بر اصلاح و درمان شدن دارند (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۹). طبیعی است که ضمانت‌اجراهای انضباطی درباره دانشجویان متخلفی که رفتارشان واجد وصف کیفری است، باید در راستای رعایت حقوق اساسی افراد و هم سو با اهداف اصلاحی درمانی باشند.

آنچه ضرورت به‌کارگیری روش‌های علمی و توجه به اصلاح و درمان در مواجهه با دانشجویان متخلف را بیشتر می‌سازد این است که مرجع رسیدگی‌کننده به سوء مصرف مواد در اینجا صرفاً یک نهاد تخلفات اداری نیست بلکه مرکز علمی جامعه یعنی دانشگاه است. دانشگاه اصولاً دارای رویکرد علمی مبتنی بر علت‌شناسی است و بالتبع اعضای شورای انضباطی و نهادهای علمی موجود در دانشگاه، دارای قابلیت‌های آکادمیک بالایی اند که حداقل انتظار می‌رود در حل مشکلات خود، به روش‌ها و الزامات علمی پایبند باشند. افزون بر این، فرد متخلف در اینجا یک فرد عادی نیست بلکه دانشجویی است که با توانمندی علمی وارد دانشگاه شده و همین امر، امکان برقراری تعامل منطقی‌تر برای پیشبرد رویکرد اصلاحی درمانی را افزایش می‌دهد.

۲.۱.۱. بی‌توجهی به ساز و کارهای الزام به درمان اعتیاد

در ماده ۴۵ شیوه‌نامه اجرایی^۱ برای دانشجویان معتاد، یکی از تنبیهات بندهای ۳ تا ۵ در نظر گرفته شده است و سپس از یک شرط صوری یعنی «عدم توجه به تنبیهات قبلی» جهت اعمال مجازات‌های انضباطی شدید و اخراج مندرج در بند ۲۰ شیوه‌نامه اجرایی برای معتادان استفاده شده است. با وجود این، ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۲، صرفاً معتادانی را مجرم

۱. ماده ۴۵ اعتیاد به مواد اعتیادآور یا مشروبات الکلی، «متخلف به یکی از تنبیهات بندهای ۳ تا ۵ محکوم می‌شود و در صورت عدم توجه به تنبیهات قبلی تا بند ۲۰ قابل تشدید است.»

۲. ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تظاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرمند.»

دانسته که اقدام به ترک اعتیاد و درمان ننموده باشند. این امر نشان دهنده پیروی قانون مذکور از اهداف اصلاحی درمانی است. اگر دانشجوی معتادی واقعا به مراکز مجاز ترک اعتیاد مراجعه و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نموده باشد آیا منطقی است که وی را بدون تخلف از شرط اقدام به درمان، مشمول تنبیه انضباطی بندهای ۳ تا ۵ نمود؟ جهت جلوگیری از برداشت‌های متفاوت لازم است که به این امر در آیین‌نامه تصریح شود.

در ماده ۴۵ فوق‌الذکر به علت عدم توجه به ذات مستمر اعتیاد و لزوم طی یک فرایند نظارتی دقیق و انجام مراحل درمانی، به دستورات فنی و تدابیر لازم الرعایه توجه نشده است. منظور از دستورات فنی، دستوراتی است که مرجع رسیدگی‌کننده برای اصلاح و درمان مرتکب و جبران ضررهای وارده توسط وی در متن رای پیش‌بینی می‌نماید.^۱ منظور از تدابیر لازم الرعایه، تدابیری است که مرجع رسیدگی‌کننده برای حفظ نظارت بر مرتکب و در دسترس قرار دادن وی اتخاذ می‌نماید.^۲ اگرچه استفاده از عبارت «در صورت عدم توجه به تنبیهات قبلی» شاید موهم این نکته باشد که باید به دانشجوی معتاد مهلت معینی داده شود تا در صورت عدم ترک اعتیاد، وی را مشمول مجازات‌های بعدی تا بند ۲۰ دانست. اما متأسفانه مهلت معینی در ماده مذکور مورد اشاره قرار نگرفته است.

به رغم این که در ماده ۲۳ شیوه‌نامه اجرایی، به اخذ تعهد از مرتکب جهت تخفیف یا تعلیق و یا حتی مختومه نمودن پرونده بدون درج در سوابق انضباطی دانشجوی به عنوان یکی از اختیارات شوراهای انضباطی تصریح شده است. همچنین در ماده ۲۴ شیوه‌نامه مذکور به امکان تعلیق تمام یا

۱. ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی: «در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار میتواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید: الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه‌های خاص ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری ج- خودداری از فعالیت حرفه‌های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

۲. ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی: «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است: الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور تبصره تدابیر یاد شده میتواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.»

بخشی از تنبیهات انضباطی دانشجویان (به جز توزیع مواد مخدر) اشاره شده است. اما در هیچ یک از این دو ماده، معیارهای اعمال این صلاحیتهای انضباطی توسط شوراهای مشخص نشده و به دستورات فنی یا تدابیر لازم الرعایه با اهداف اصلاحی درمانی در زمان تعلیق حکم اشاره‌ای نشده است.

این در حالی است که قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در تبصره ۲ از ماده ۱۶ خود، درباره تعلیق تعقیب معتادان متجاهری که اقدام به درمان و ترک اعتیاد ننموده اند، تصریح نموده است که: «مقام قضایی می‌تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماهه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید...» شخص معتادی که با استفاده از تعلیق تعقیب آزاد می‌شود باید بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه مراقبت پس از خروج معتادان، مصوب ۱۳۹۲ و بنا به پیشنهاد گروه درمانگر، یک یا چند تکلیف از تکالیف مندرج در آن ماده نظیر مراجعه به مراکز درمانی و ادامه برنامه‌های درمانی را انجام دهد (آشوری، ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

۲.۱.۲. نقض حق دانشجوی معتاد بر ادامه تحصیل

حق بهره‌مندی از آموزش و ادامه تحصیل یکی از مصادیق حقوق بشر است که در اسناد بین‌المللی و از جمله در بند ۱ از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان تصریح شده است. عدم رعایت اصل قانونی بودن در قبال چنین حقی می‌تواند به معنای نقض تعهدات بین‌المللی ایران باشد. شیوه‌نامه

۱. ماده ۲ - فردی که پس از اتمام مدت مقرر در دستور مقام قضایی موضوع ماده‌ی (۱۶) قانون و تبصره‌ی (۲) آن از مرکز خارج می‌شود، مکلف است یک یا چند تکلیف از تکالیف ذیل که به پیشنهاد گروه درمانگر و اعلام مسئول فنی و تقاضای مدیر مرکز نوع و مدت آن توسط مقام قضایی با توجه به پیشنهاد مذکور و سوابق شخص تعیین می‌شود را رعایت نماید: ۱-مراجعه به مراکز موضوع ماده‌ی (۱۵) قانون جهت شرکت در برنامه‌های درمان، بازتوانی و کاهش آسیب از قبیل: درمان‌های دارویی و جلسات مشاوره‌ای و آموزشی. ۲- شرکت در جلسات گروه‌های خودیاری که بر حسب ضوابط و مقررات مربوطه، مجوز فعالیت دارند. ۳-مراجعه به مراکز درمانی در دوره‌های زمانی مشخص و اخذ گواهی سلامت و تسلیم آن به نماینده مقام قضایی موضوع این آیین‌نامه. ۴- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزشی و یادگیری مهارت‌های زندگی یا شرکت در دوره‌های مذهبی، تربیتی، اخلاقی یا ورزشی و غیره. ۵- حرفه‌آموزی. ۶-انجام خدمات عمومی و یا اجتماعی. ۷- منع یا محدودیت ارتباط و یا معاشرت با شخص و یا اشخاص معین. ۸- منع یا محدودیت رفت و آمد به محل یا محل‌های معین. ۹- اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین. ۱۰- منع یا محدودیت رانندگی با وسیله نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری. ۱۱- ارائه خدمت در مراکز موضوع مواد (۱۵) و یا (۱۶) قانون. ۱۲- در صورت بی‌خانمان بودن و یا وجود شرایط مربوطه، الزام به اقامت در مراکز اقامتی از قبیل: خانه‌های میان‌راهی، گرمخانه‌های شهرداری‌ها و یا مراکز متولی امور بی‌خانمان‌ها و یا معلولین و غیره که بر اساس ضوابط و مقررات مربوطه ایجاد شده‌اند حسب مورد.

اجرائی بدون ارجاع به مکانیزم‌های موجود در مواد قانون مبارزه با مواد مخدر و مراکز درمانی مجاز مذکور در آیین‌نامه تبصره ماده ۱۵ پیش گفته، صرفاً در تبصره ۲ ماده ۴۵ خود، ادامه تحصیل دانشجوی را منوط به همکاری در درمان اعتیاد و مراجعه مستمر به مرکز مشاوره و روانپزشک دانسته است.^۱ درباره این تبصره، توجه به نکات زیر لازم و ضروری است. ۱- در این تبصره بر خلاف «اصل قانونی بودن رسیدگی» به رسیدگی به موضوع و تایید اعتیاد و صدور رای محرومیت موقت از ادامه تحصیل، در شورای انضباطی اشاره نشده است. این امر ممکن است موجب توهم به عدم لزوم رسیدگی انضباطی شود. ۲- هیچ مهلت مشخصی برای آغاز درمان و ترک اعتیاد پیش بینی نشده است. عدم تعیین مهلت برای اقدام دانشجوی معتاد به درمان ممکن است موجب تضییع حقوق وی و منقضی شدن محدودیت‌های زمانی آموزشی برای ثبت نام و ادامه تحصیل گردد. ۳- شاخص‌های مشخصی برای تشخیص «همکاری در درمان اعتیاد» و «مراجعه مستمر به مرکز مشاوره و روانپزشک» تعیین نشده است. اینکه آیا نیاز به اخذ گواهی برای حضور در مرکز مشاوره وجود دارد یا خیر؟ و اصطلاح روانپزشک در تبصره شامل هر روانپزشکی می‌شود؟

۴- ارتباط میان این تبصره و تنبیهات مندرج در متن ماده ۴۵ شیوه‌نامه اجرائی مشخص نشده است. در حالی که ماده ۴۵ از تنبیهات درجه ۳ تا ۵ (یعنی نهایتاً توبیخ کتبی و درج در پرونده) برای دانشجوی معتاد سخن گفته، تبصره مذکور، شدیدترین مجازات انضباطی یعنی محرومیت از تحصیل را درباره وی قابل اعمال دانسته است. ۵- در مقام حل مشکلات فوق الذکر، می‌توان تبصره ۲ ماده ۴۵ را این گونه تفسیر نمود که بر اساس اصل قانونی بودن تنبیهات، محروم نمودن دانشجوی معتاد از ادامه تحصیل تنها از طریق یک تنبیه قانونی، یعنی تنبیه دوم مندرج در متن ماده ۴۵ شیوه‌نامه اجرائی در مورد (عدم توجه به تنبیهات قبلی) و تشدید مجازات تا بند ۲۰ امکان پذیر است. فلذا معنای تبصره ۲ بدین شکل خواهد بود که در صورت عدم توجه دانشجوی معتاد به تنبیهات قبلی و تشدید مجازات و در نهایت، صدور حکم به محرومیت از تحصیل - مثلاً برای یک یا دو نیمسال - آن گاه بازگشت وی به دانشگاه و ادامه تحصیل وی منوط به منفی بودن آزمایش اعتیاد و همکاری وی در درمان اعتیاد و مراجعه مستمر به مرکز مشاوره و روانپزشک خواهد بود. ۶- در صورتی که هدف از وضع تبصره ۲ این باشد که در مواجهه با فرد معتاد در وهله نخست باید وی را مکلف به ترک اعتیاد نمود و در صورت ترک تکلیف فوق، وی از ادامه تحصیل محروم شود. آن گاه باید متن ماده ۴۵ شیوه‌نامه به گونه‌ای اصلاح شود که به جای عبارت (در صورت عدم توجه به تنبیهات قبلی) از عبارت دیگری یعنی: (در صورت عدم اقدام به ترک اعتیاد در فرصت

۱. تبصره ۲ ماده ۴۵- ادامه تحصیل دانشجوی معتاد منوط به منفی بودن آزمایش اعتیاد و همکاری در درمان اعتیاد و مراجعه مستمر وی به مرکز مشاوره و روانپزشک خواهد بود.

زمانی معین) به عنوان شرط محرومیت موقت از تحصیل استفاده شود. تنها در این صورت است که نسبت به اهداف اصلاحی درمانی در ضمانت اجرای انضباطی بی توجهی نخواهد شد. در غیر این صورت، دانشجوی معتادی که از تحصیل محروم شده است، در اعتیاد خود غرق خواهد شد.

۲.۲. لزوم رعایت اصل تناسب در مجازات انضباطی

از دیدگاه سزار بکاربا رعایت تناسب میان جرم و مجازات نه تنها لازمه رعایت عدالت است بلکه دارای نتایج پیشگیرانه نیز می‌باشد (بکاربا، ۱۳۹۷: ۹۲). زیرا اگر تمامی جرایم با یک مجازات مشابه روبه رو شوند، علاوه بر نقض عدالت و چشم‌پوشی نسبت به وخامت هر یک از جرایم، عملاً کارکرد بازدارندگی مجازات‌ها جای خود را به تجری و میل به ارتکاب جرایم شدیدتر می‌دهد. افزون بر این، مجازات باید با شخصیت مجرم نیز متناسب باشد. زیرا هر فرد انسانی، موجودی منحصر به فرد و دارای ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و نیازهای خاصی است. اجرای عدالت و دستیابی به اهداف پیشگیرانه مستلزم توجه به این ویژگی‌هاست. این موضوع که تحت عنوان اصل فردی کردن مجازات‌ها یا تفرید کیفری شناخته می‌شود به معنای انطباق مجازات با شخصیت مجرم است (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

رعایت اصل تناسب نه تنها در مجازات‌های کیفری ضروری است بلکه در ضمانت اجرای انضباطی نیز لازم است. زیرا این نوع از ضمانت اجراها در صورتی می‌توانند به درستی از انضباط و حیثیت دانشگاهی دانشجویان محافظت نمایند که محدودیت متناسبی را نسبت به تخلف ارتكابی و شخصیت متخلف، ایجاد نمایند. در غیر این صورت، علاوه بر ناعادلانه بودن، می‌توانند موجب تجری مرتکب و سایر دانشجویان گردند. شاید بر همین مبنا در اصل ۹ از اصول حاکم بر رسیدگی به تخلفات دانشجویی در شیوه‌نامه اجرایی، به رعایت اصل تناسب تصریح شده است.^۱

۲.۲.۱. لزوم رعایت تناسب میان تخلف و مجازات انضباطی

تخلفات مربوط به مواد اعتیادآور به لحاظ نوع رفتار (اعم از استعمال، تولید، توزیع، و برگزاری جلسه استعمال)، نوع ماده اعتیادآور (اعم از مواد سنتی و صنعتی)، زمان ارتکاب (اعم از فصل

۱. اصل ۹: «شوراهای انضباطی در حدود صلاحیت خود وفق آیین نامه و شیوه نامه باید در صدور حکم، شدت تخلف ارتكابی، سوابق آموزشی و انضباطی دانشجو اقتضائات فضای دانشجویی تناسب و تجانس تخلف ارتكابی با نوع و میزان تنبیه را مورد توجه قرار دهند و رای به تنبیه نامتناسب یا نامتجانس از مصادیق نقض رای در مرجع تجدیدنظر خواهی خواهد بود.»

امتحانات و غیر آن)، و مکان ارتکاب (اعم از خوابگاه دانشجویی و غیر آن) دارای تفاوت‌هایی اند که توجه به هر یک از آن‌ها مستلزم طراحی سیاست انضباطی متفاوتی است.

الف - متناسب‌سازی مجازات‌ها بر اساس نوع رفتار

در مورد ایجاد تناسب در مجازات‌ها بر اساس نوع رفتار ارتكابی، در مواد ۴۳ تا ۴۶ شیوه‌نامه اجرایی، سعی بر تفکیک مجازات‌ها بر اساس نوع رفتارهای متخلفانه شده است. (استعمال مستوجب تنبیه مندرج در بند ۴ تا ۱۰، تشکیل جلسه و دعوت از دیگران برای استعمال مستوجب بند ۵ تا ۱۲، اعتیاد مستوجب بند ۳ تا ۵، نگهداری، خرید فروش و توزیع، مستوجب بند ۵ تا ۱۲)^۱ با وجود این و به رغم تفاوت موجود میان نگهداری مواد و فروش مواد، به لزوم تفکیک مجازات‌های این دو رفتار توجهی نشده است.^۲ در نتیجه در ماده ۴۶ شیوه‌نامه، مجازات یکسانی برای هر دو رفتار پیش‌بینی شده است. این امر ممکن است موجب تجری از رفتار نگهداری به سوی فروش مواد اعتیادآور گردد.

افزون بر این در ماده ۴۴ شیوه‌نامه، تشکیل جلسه برای استعمال مواد و دعوت از دیگران، بدون توجه به استعمال کردن یا استعمال نکردن مواد اعتیادآور در چنین جلسه‌ای، تخلف‌انگاری شده است. بدین ترتیب تفاوتی میان تشکیل جلسه همراه با استعمال واقعی و تشکیل جلسه بدون استعمال آن، لحاظ نگردیده است.

ب - تفکیک میان مجازات‌های ناظر بر انواع مختلف مواد

عدم تفکیک میان نوع مواد اعتیادآور استعمالی، برای اهداف پیشگیرانه سودمند نبوده و آثار مخربی را در پی خواهد داشت. مواد اعتیادآور را می‌توان به شکل‌های مختلفی تقسیم بندی نمود. از این منظر شایع‌ترین تقسیم بندی‌ها عبارتند از: الف-مواد اعتیادآور سنتی و صنعتی. ب-مواد اعتیاد آور آرام (نرم) و سخت. مواد اعتیادآور صنعتی، از قبیل هرویین، شیشه (مت‌آمفتامین) و

۱. طبق بند الف از ماده ۱۲ شیوه‌نامه اجرایی، تنبیهات انضباطی بند ۳ تا ۱۲ مربوطه به قرار زیر است: بند ۳-اخطار کتبی بدون درج در پرونده، بند ۴-تذکر کتبی و درج در پرونده، بند ۵-توبیخ کتبی و درج در پرونده، بند ۶-دادن نمره ۲۵ صدم در درس موضوع تخلف (مخصوص تخلفات تقلب)، بند ۷-محرومیت از تسهیلات رفاهی دانشگاه یا تغییر در آنها از قبیل وام، خوابگاه و غیره از یک ماه تا مدت باقیمانده از تحصیل، بند ۸-دریافت خسارت از دانشجو در مواردی که تخلف موجب خسارت شده است، بند ۹-منع موقت از تحصیل به مدت یک نیمسال یا ۱ تا ۶ ماه بدون احتساب سنوات، بند ۱۰-منع موقت از تحصیل به مدت یک نیمسال یا ۱ تا ۶ ماه با احتساب سنوات، بند ۱۱-منع موقت از تحصیل به مدت دو نیمسال یا ۶ تا ۱۲ ماه بدون احتساب سنوات، بند ۱۲-منع موقت از تحصیل به مدت دو نیمسال یا ۶ تا ۱۲ ماه با احتساب سنوات.

۲. مجازات‌های مندرج در ماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، برای نگهداری، مخفی یا حمل نمودن مواد مخدر نسبت به مجازات‌های مندرج در ماده ۴ همان قانون برای تولید، توزیع یا فروش این مواد، سبک‌تر اند.

کراک، موادی اند که به صورت صنعتی و یا نیمه صنعتی از گیاهان سمی ساخته و یا با مواد دیگر ترکیب می‌شوند. در مقایسه با مواد سنتی مانند ماریجوانا و تریاک، این نوع مواد را می‌توان به علل زیر، در قالب مواد اعتیادآور پر خطر دسته بندی نمود. ۱- قدرت اعتیادآوری بیشتری دارند. ۲- به لحاظ شیوه ساخت صنعتی، آثار مخرب تری بر روی جسم و روان فرد معتاد می‌گذرانند. ۳- غالباً روش استعمال خطرناک‌تری دارند از قبیل تزریق (امیر پور، قربانی، ۱۳۹۱: ۲۰۲).

افزون بر این، منظور از مواد اعتیادآور آرام یا نرم، موادی است که میزان اعتیادآوری کمتری دارند، آسیب‌های کمتری را در معتاد ایجاد می‌کنند و امکان استفاده در زمانی از آنها وجود دارد. مانند ماریجوانا و کافئین. در مقابل، مواد اعتیادآور سخت، درست و ویژگی‌های معکوسی دارند. مانند کوکائین و هروئین. با توجه به تفاوت‌های مذکور، امروزه با اشاره به مطالعات تطبیقی در کشورهایمانند هلند، ادله‌ای جهت جرم زدایی از مواد اعتیادآور آرام در نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود. دلایلی همچون افزایش احترام به قانون در قبال مواد مخدر سخت، ایجاد زمینه لازم جهت کنترل گرایش به مواد اعتیادآور پر خطر (احسان‌پور، احسان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۵) و امکان استفاده از مواد کم خطر جهت درمان و کاهش آسیب برخی از معتادان تزریقی که به مواد پر خطر اعتیاد دارند (رحیمی‌پور، و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۹).

با توجه به مطالب فوق، حداقل کاری که درباره تخلفات انضباطی مربوطه می‌توان انجام داد این است که بر اساس منطق حاکم بر تفکیک مجازات‌های ناظر بر مواد اعتیادآور سنتی در ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که نسبت به مواد اعتیادآور صنعتی در ماده ۸ این قانون سبک‌تر اند و همچنین با توجه به همین مبنا در ماده ۱۹ قانون مذکور^۱ لازم است برای تحقق اهداف پیشگیرانه، میان مجازات‌های انضباطی هر یک از این دو دسته از مواد اعتیادآور تفکیک و تفاوت قائل شد. به علاوه در شیوه‌نامه اجرایی هیچ اشاره‌ای به میزان و حجم مواد اعتیادآور در هیچ یک از مواد ۴۳ تا ۴۶ به عنوان مبنایی جهت تنبیه‌گذاری و تناسب تخلف و مجازات نشده است.

۱. ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: افراد غیر معتادی که مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردرونی استعمال نمایند، بر حسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می‌شوند: ۱- استعمال مواد مذکور در ماده ۴ (بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک) به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی. ۲- استعمال مواد مذکور در ماده ۸ (هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ) یا آکستاسی، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین شیشه) به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی.

ب- مجازات انضباطی متناسب برای توزیع کنندگان مواد در فصل امتحانات

اگرچه پیشگیری از تخلف، از طریق راهبردهای غیر انضباطی و با کاهش علل واقعی تخلف، به نحو مطلوب تری محقق می شود. اما نقش آیین نامه انضباطی می تواند کمک به پیشگیری از طریق بازدارندگی باشد. زمان ارتکاب جرم، یکی از اجزای عنصر مادی است که می تواند نقش مهمی در تعیین وخامت و آسیب های ناشی از جرم داشته باشد. برای نمونه به موجب ماده ۶۵۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ارتکاب سرقت تعزیری در زمان شب، مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به سرقت در روز است (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۰). در خصوص زمان استعمال مواد اعتیادآور توسط دانشجویان، زمان امتحانات دارای ویژگی خاصی است. در این ایام، استرس امتحانات موجب افزایش تبلیغات فریبنده و گرایش بیشتر دانشجویان به استفاده از مواد اعتیادآور به ویژه ریتالین و شیشه می شود. این واقعیت مستلزم تشدید مجازات انضباطی از طریق غیر قابل تخفیف و تعلیق نمودن تنبیهات و یا افزایش آنها برای فروشندهگان و توزیع کنندگان مواد در فصل امتحانات است.

۲.۲.۲. لزوم رعایت تناسب میان شخصیت متخلف و مجازات انضباطی

لازمه رعایت تناسب میان مجازات و شخصیت متخلف، تشکیل پرونده شخصیت^۱ و یا حداقل، معرفی دانشجو به مرکز مشاوره و الزام به اخذ نظر از مرکز مربوطه درباره آسیب های روانی و شخصیتی دانشجو، عوامل مؤثر بر ارتکاب تخلف و پیشنهاد واکنش مناسب انضباطی در قبال هر دانشجو است. با وجود این، در شیوه نامه، نه تنها درباره تشکیل پرونده شخصیت برای دانشجویان متهم / متخلف سخنی گفته نشده است بلکه اخذ نظر دفتر مشاوره برای صدور و اعمال تنبیهات، به موجب ماده ۲۲^۲ و تنها در مورد مجازات محرومیت از خوابگاه برای شورای انضباطی الزامی دانسته شده است. در مورد اعمال سایر مجازات ها، این امر اختیاری بوده و تبصره ماده ۱۰۹ شیوه

۱. تفاوت پرونده شخصیت و پرونده قضایی در این است که پرونده شخصیت به جای اطلاعات قضایی و ادله اثبات جرم، حاوی سوابق تحصیلی، پزشکی، روانپزشکی، خانوادگی، شغلی، اقتصادی، وضعیت سنی و موقعیت اجتماعی فرد است. هدف از تشکیل این پرونده، تحقق دو هدف است. نخست، عادلانه تر شدن احکام. دوم، فردی سازی و اصلاح و درمان. امروزه به موجب ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در کلیه جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می گردد، حاوی مطالب زیر است: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم ب- گزارش پزشکی و روان پزشکی. (سبزه علی، اشرافی، حیدری، ۱۳۹۷، ص. ۸۰)

۲. ماده ۲۲: «اخذ نظر دفتر مشاوره برای صدور و اعمال تنبیه محرومیت از خوابگاه الزامی است.»

نامه^۱، از عبارات مبهمی جهت بهره‌مندی از نظرات مرکز مشاوره استفاده نموده است. زیرا معیارهای تشخیص موارد ضروری - مذکور در ابتدای تبصره - را برای شوراها انضباطی تعیین ننموده است. همچنین تبصره ۲ ماده ۴۵، صرفاً ادامه تحصیل دانشجو را منوط به همکاری در درمان و مراجعه مستمر به مرکز مشاوره نموده اما صدور رای نخستین را منوط به اخذ نظر مرکز مشاوره ندانسته است.

ساز و کارهای فردی‌سازی مجازات‌ها شامل سبب‌های معافیت و تخفیف مجازات و سبب‌های تشدید آن است. سبب‌های معافیت از مجازات، سبب‌هایی اند که با توجه به ملاحظات سیاست جنایی و فایده اجتماعی و بر مبنای نوع رفتار بعدی مرتکب - نظیر همکاری موثر وی با مقامات، توبه و یا جلب رضایت شاکی - وی را از مجازات معاف می‌نمایند (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۳۲). شیوه‌نامه اجرایی، به‌طور مناسب و منسجمی از سازوکارهای فردی‌سازی مذکور در راستای پیشگیری از سوء مصرف مواد اعتیادآور استفاده نموده است.

الف - ضرورت به‌کارگیری نهادهای ارفاق‌آمیز متناسب

استفاده از سبب‌های معافیت از مجازات، به خصوص دربارهٔ دانشجویانی که با همکاری مؤثر خود، موجب کشف عامل یا عوامل اصلی توزیع مواد اعتیادآور در دانشگاه می‌شوند، لازمه طراحی یک سیاست انضباطی پیشگیرانه است. شوربختانه در شیوه‌نامه اجرایی، نه تنها به سبب‌های معافیت از مجازات، تصریح نشده است. بلکه درباره کیفیت مخففه نیز بر خلاف منطبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی^۲ بدون تعیین جهات تخفیف، اختیار کلی و به تعبیری سلطنت مطلق، در اختیار شورای انضباطی قرار داده شده است. به موجب ماده ۲۳ این شیوه‌نامه: «از بدو تا پایان رسیدگی به پرونده‌های انضباطی، اخذ تعهد، ایجاد صلح و سازش یا اخذ رضایت شاکی، حسب مورد بنا به صلاحدید هر یک از شوراها، به منظور تخفیف یا تعلیق در تنبیه یا مختومه شدن پرونده بدون درج در سوابق انضباطی مجاز است» نتیجه چنین سیاست انضباطی، اختیارات گسترده شوراها

۱. تبصره ماده ۱۰۹: «در موارد ضروری یا درخواست دانشجو، بهره‌مندی از نظرات مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه و ملاحظه کلیه حساسیت‌های لازم در زمینه روحیات فردی و مسایل خانوادگی و اجتماعی و تبعات مختلف احکام صادره الزامی است»

۲. جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری ج- کوشش متهم به‌منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم



انضباطی و عدم تضمین به کارگیری سازوکارهای فردی‌سازی و عدم ایجاد حق متناسب‌سازی تنبیه با تخلف برای مرتکب است.

در خصوص نهاد تعلیق مجازات، ماده ۲۴ شیوه‌نامه اجرایی^۱، بدون تعیین شرایط بهره‌مندی دانشجویان، اختیار کلی را به صلاح‌دید شورای انضباطی واگذار نموده است و تنها در تبصره ۳ این ماده، زنا و لواط، سرقت مکرر، استفاده از سلاح، عضویت یا فعالیت در گروه‌های ملحد، مفسد یا محارب، توزیع مواد مخدر و مشروبات الکلی را از شمول تعلیق، مستثنی نموده است.

شاید اندکی توجه به اهداف پیشگیرانه می‌توانست موجب شود که شاخص‌هایی نظیر عدم سوء- سابقه تخلف مشابه، عدم ارتکاب تخلف در زمان بهره‌مندی از تعلیق و پیش‌بینی اصلاح فرد با جلب نظر مرکز مشاوره به‌عنوان شرایط بهره‌مندی از تعلیق مورد تصریح قرار گیرند.

افزون بر این، اعمال تعلیق مجازات و رها نمودن دانشجوی متخلف، بدون نظارت و مراقبت اصلاحی واقعا چه اثر مثبتی می‌تواند داشته باشد؟ درکمال شگفتی، شیوه‌نامه اجرایی، به‌کارگیری تدابیر لازم‌الرعایه و دستورات فنی درباره بهره‌مندان از تعلیق را فراموش نموده است. پایبندی به برنامه‌های ترک اعتیاد، مشارکت در فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگ‌سازی آشنایی با مضرات مواد اعتیادآور و ترک معاشرت با مرتکبان تخلفات مواد اعتیادآور می‌توانند از تدابیر مؤثر بر پیشگیری از تخلفات احتمالی در آینده باشند.

ب- استفاده مناسب از کیفیات مشدده شخصی

توزیع مواد اعتیادآور توسط یک دانشجوی ممکن است به صورت «حرفه‌ای» ارتکاب یابد. «بزه‌کار حرفه‌ای» برای کسب سود - به عنوان شغل -، به طور منظم و متعدد مرتکب جرم می‌گردد. (غلامی، ۱۳۸۲: ۳۰۶). در مورد توزیع مواد اعتیادآور، افرادی که به اصطلاح «ساقی» نامیده می‌شوند، ممکن است مشمول قواعد تکرار جرم نشده و سابقه محکومیت نداشته باشند. این افراد مستحق سیاست انضباطی ویژه‌ای اند که اصلی‌ترین رکن آن، تشدید مجازات انضباطی است. در ماده ۴۶ شیوه‌نامه، تکرار توزیع مواد اعتیادآور، موجب تشدید تنبیه دانسته شده است. اما درباره توزیع کنندگانی که سابقه محکومیت انضباطی نداشته و بر اساس ادله اثباتی، «متخلف حرفه‌ای» و به اصطلاح ساقی مواد در خوابگاه بوده‌اند، سیاست انضباطی مشدده در نظر گرفته نشده است.

ژورنال حقوق کیفری و مطالعات فرسنگی

۱. ماده ۲۴: «شوراهای انضباطی صادر کننده حکم می‌توانند در صورت صلاح‌دید تا پیش از صدور حکم از مرجع بالاتر و پیش از دانش‌آموختگی مطابق تبصره ۸ ماده ۷ آیین‌نامه (به جز موارد استثنا شده) نسبت به تعلیق تمام یا بخشی از مجازات از احکام صادر شده اقدام نمایند»

نتیجه‌گیری

اتخاذ رویکرد پیشگیرانه در مقررات انضباطی ناظر بر رفتار دانشجویان، یک ضرورت است. اعمال تدابیر انضباطی نمی‌تواند صرفاً بر مبنای سزادهی به متخلفان باشد. زیرا تأکید بر سزادهی صرف، موجب کاهش تخلفات نمی‌شود. به‌ویژه در مورد پدیده اعتیاد و سوءمصرف مواد اعتیادآور که نسبت به سایر تخلفات، دارای ضرورت‌های درمانی و پیشگیرانه بیشتری است باید آیین‌نامه انضباطی دانشجویان را بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی و اصول حقوقی مورد نقد و اصلاح قرار داد. با توجه به مطالب فوق، درباره سوالات ابتدای تحقیق می‌توان گفت: نخست اینکه صلاحیت قانونی مرجع تصویب آیین‌نامه انضباطی مورد تردید جدی است. این مرجع، تخصص کافی برای تعیین راهبردهای انضباطی مناسب جهت پیشگیری از سوءمصرف مواد را نداشته است. بالتبع، مرجع رسیدگی‌کننده به تخلفات مربوطه نیز فاقد صلاحیت و تخصص قضایی کاملی جهت صدور حکم به محکومیت انضباطی است. دوم اینکه، تخلف‌انگاری‌های موجود در آیین‌نامه، انطباقی با ضرورت‌های پیشگیری از سوءمصرف مواد ندارند. نگارندگان آیین‌نامه حتی به انواع جرایم موجود در قانون مبارزه با مواد مخدر توجهی ننموده‌اند. رفتارهایی نظیر تشویق به استعمال مواد و نگهداری وسایل استعمال آن از قلم افتاده‌اند. البته در مورد خلاهای آیین‌نامه نمی‌توان مستقیماً به متن قانون مبارزه با مواد مخدر استناد نمود زیرا قانون اخیر، منبع جرایم مواد مخدر و آیین‌نامه انضباطی، منبع احصاء تخلفات است. تخلف‌انگاری جامع تمامی رفتارهای مربوطه، نه تنها زمینه مناسبی برای بازدارندگی دانشجویان است بلکه به لحاظ جنبه آموزشی می‌تواند عاملی جهت فرهنگ‌سازی برای استاندادهای رفتار دانشجویی باشد.

در خصوص پرسش سوم باید گفت: خلا راهبرد اصلاح و درمان در ضمانت اجرای انضباطی کاملاً احساس می‌شود. تشدید بازدارندگی مخصوص توزیع‌کنندگان مواد است. سخت‌گیری را نمی‌توان نسبت به دانشجوی معتاد اعمال نمود. زیرا وی یک دانشجوی بیمار و نیازمند کمک جهت اصلاح و درمان است. طرد دانشجوی معتاد، جهت پاک کردن صورت‌مساله، می‌تواند ساده‌ترین راه باشد اما قطعاً بهترین تصمیم نیست. نظام آموزشی ایران نیازمند قانون جامعی جهت طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری از سوءمصرف مواد در مراکز آموزشی است. در پاسخ به سوال چهارم تحقیق نیز می‌توان گفت: فراموشی اصل تناسب میان تخلف و تنبیه انضباطی در آیین‌نامه کاملاً مشهود است. شدت تنبیهات موجود بر اساس نوع رفتار، نوع مواد و حجم مواد مکشوفه طبقه‌بندی نشده‌اند. نظام تنبیه‌گذاری در آیین‌نامه، شخصیت و ویژگی‌های فردی متخلف را نادیده گرفته و از سازوکارهای فردی‌سازی تنبیهات در جهت افزایش اثربخشی آنها استفاده ننموده است. بنابراین

پیشنهاد می‌شود آیین‌نامه انضباطی دانشجویان بر اساس نتایج این تحقیق و توسط مرجع صالح و متخصص مورد بازنویسی قرار گیرد.^۱

افزون بر این، با توجه به نقش ویژه استعمال دخانیات به‌عنوان « ماده دروازه‌ای» به سوی استعمال مواد مخدر و روانگردان، می‌توان با اصلاح تبصره ۱ ماده ۵۲^۲ شیوه‌نامه، دانشجویان سیگاری را تحت عنوان دانشجویان در معرض خطر، در قالب «تدابیر تکمیلی» مشمول دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی و کنترل استرس قرار داد.

منابع

احسانپور، رضا و احسانپور، محمدرضا (۱۳۹۵)، «توجیهات جرم زدایی از مواد مخدر آرام، مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات متحده امریکا»، **فصلنامه حقوق پزشکی**، ۱۰ (۳۹): ص ۱۷۲-۱۹۹.

اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۹)، **حقوق جزای عمومی**. جلد سوم، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان. آشوری، محمد و ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۷)، «رویکرد تقنینی قضایی کاربست درمانی تعلیق تعقیب نسبت به معتادان»، **مجله حقوق پزشکی**، ۱۲ (۴۴): ص ۱۱۹-۱۴۱.

الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۸)، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**. جلد اول جرم و مجرم. چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

الهام، غلامحسین، میرمحمدی میبدی، مصطفی (۱۳۹۲)، «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، ۱۴ (۱): ص ۱۵۵-۱۷۹.

۱. البته اجرای کامل یک آیین‌نامه انضباطی اصلاح شده مستلزم متعهد ساختن دانشگاه‌ها نسبت به به‌کارگیری سازوکارهای انضباطی و اصلاحی هدفمند است. در ایالات متحده امریکا به موجب فصل بیستم از مجموعه قوانین فدرال، هیچ موسسه آموزش عالی نمی‌تواند از کمک‌های مالی دولتی استفاده کند مگر آن‌که مدیر آن، خطاب به وزیر آموزش عالی گواهی نماید که برنامه‌ای را برای پیشگیری از سوءمصرف مواد در میان دانشجویان و کارکنان دانشگاه، طراحی و به اجرا گذاشته است. این برنامه باید به طور سالیانه علاوه بر تخلف‌انگاری‌های مربوطه، ضمانت اجراها، مضرات مواد و روش‌های اصلاحی درمانی قابل اجرا را به دانشجویان و کارکنان اطلاع دهد و آمار دقیقی از متخلفان و مبتلایان را در برگیرد. دانشگاه مکلف است میزان اثربخشی برنامه‌های درمانی خود را مورد بطور سالیانه مورد ارزیابی و اصلاح قرار دهد. (US.C.20.1011(i))

۲. تبصره ۱ ماده ۵۲: «در صورت استعمال دخانیات در دانشگاه یا اماکن مرتبط، متخلف به یکی از تنبیهات بندهای ۱ تا ۳ محکوم می‌شود و در صورت تکرار، تنبیه تا بند ۹ (به جز بند ۶) قابل تشدید است.

- امیرپور، مهناز و قربانی، محسن (۱۳۹۱)، «علل تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از کم خطر به پر خطر». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳ (۴۸): ص ۲۰۱-۲۲۸.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۶ (۴): ص ۱-۵۳.
- ایروانی، جواد و حایری، محمد حسن (۱۳۸۸)، «بررسی مساله حرمت لہو به عنوان قاعده فقهی»، دو فصلنامه فقه و اصول، ۴۱ (۸۳): ص ۴۳-۸۰.
- بکاریا، سزار (۱۳۹۷)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۸۸)، «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹ (۳): ص ۸۳-۱۰۴.
- دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸)، «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹ (۳): ص ۱۲۵-۱۴۸.
- رحیمی‌پور، ایمان و حبیب‌زاده، محمد جعفر و محقق داماد، مصطفی و فرجیها، محمد و امیدی، جلیل (۱۳۹۵)، «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر، مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰ (۳): ص ۸۴-۱۰۹.
- سبزه علی، راضیه و اشرافی، محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۷)، «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۴): ص ۶۷-۹۳.
- شریف، محمد (۱۳۸۴)، «جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن»، پژوهش حقوق و سیاست، ۷ (۱۶): ص ۲۱۳-۲۴۸.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲)، «تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۲: ص ۲۸۵-۳۱۵.
- غلامی، حسین (۱۳۹۶)، کیفرشناسی. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- فروع‌الدین عدل، اکبر و صدرالسادات، جلال و بیگلریان، اکبر و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۳)، «تاثیر هم نشینی و معاشرت با گروه هنجارشکن و گرایش جوانان به مواد مخدر»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴ (۱۵): ص ۴۸۷-۵۰۸.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۹)، جرایم علیه عدالت قضایی. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

گر جی ازندریانی، علی اکبر و فتحی، یونس (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی فرایند دادرسی در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، تاملی پیرامون یک الگوی مطلوب»، **دوفصلنامه حقوق اداری**، ۳ (۹): ص ۲۹-۵۲.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۸)، «قبیح عقاب بلا بیان و مقایسه آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، **مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی**، ۱ (۱): ص ۷۷-۹۲.

محمودی، جواد، بهرامی، نرگس (۱۳۹۶)، «رابطه تصمیمات مراجع انضباطی با آرای مراجع کیفری»، **فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی**، ۹ (۱): ص ۱۳۱-۱۵۱.

مرجایی، هادی و غلامرضا کاشی، فاطمه (۱۳۹۶)، «گرایش به مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان. مقایسه دانشجویان بومی و غیر بومی»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، ۱۰ (۲): ص ۱۸۳-۲۱۰.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حبیب‌زاده، محمدجعفر و بابایی، محمد علی (۱۳۸۳)، «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، زمستان ۱۳۸۳**، ص ۲۳-۴۸.

واعظی، مجتبی (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی صلاحیت وضع آیین‌نامه با تاکید بر نظام‌های حقوقی فرانسه و ایران»، **نامه مفید**، ۵ (۷۹): ص ۱۳۹-۱۶۲.

وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۸)، **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی، چاپ نهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هداوند، مهدی و آقایی طوق، مسلم (۱۳۸۹)، **دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه**. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، **چرایی و چگونگی مجازات**. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Custer, B., Kent, R., (2019). Understanding Drug Free School and Communities Act Then and Now. *The Journal of College and University Law*, 44 (2) 137-158.

US.Code.20.1011(i)